

توقع‌زدایی از برجام، دستور کار جدید خط نفوذ

ساختن چیزی شبیه معجزه از برجام قبل از نهای شدن این توافق دستورکار جریان نفوذ بود که این خط فکری را به مجموعه دولت و رسانه‌ها تزریق می‌کردند، حالا پس از گذشت سه سال دستور کار جدید این جریان به توقع‌زدایی از برجام تغییر کرده است!



ساختن چیزی شبیه معجزه از برجام قبل از نهای شدن این توافق دستورکار جریان نفوذ بود که این خط فکری را به مجموعه دولت و رسانه‌ها تزریق می‌کردند، حالا پس از گذشت سه سال دستور کار جدید این جریان به توقع‌زدایی از برجام تغییر کرده است!

جریان انتظارآفرین دیروز، این روزها برای توقع‌زدایی از برجام بسیج شده‌اند. همان‌هایی که تا دیروز خیال‌پردازی‌های خود را در قالب دنیای پس از برجام برای مردم ترسیم می‌کردند، اکنون باید از آنها پرسید اگر قرار بوده تحریم‌های اصلی لغو نشود و توقع دستاورد اقتصادی از برجام نداشته‌ایم، پس چرا انبوهی از امتیازات هسته‌ای را به غرب دادیم؟ آیا ملت ما بدهکار آمریکا و غرب بودند و طیف ترویج‌کننده خوش‌خیالی خواستند ملت ما مدیون غرب نمانند؟! برجام و انتظارات غیرواقعی

محمود سریع‌القلم، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در یادداشتی به این موضوع پرداخته است. او امروز و پس از گذشت تقریباً سه سال از بزک کردن برجام به این نکته پرداخته که نباید از برجام انتظارات غیرواقعی داشته باشیم! البته آنچه وی انتظارات غیرواقعی خوانده همان چیزهایی هستند که از جانب دولتمردان و رسانه‌های اطلاع‌طلب به مردم ارائه می‌شد. به عقیده او «دقت کم تئوریک دستگاه دیپلماسی با رهیافتی که نسبت به ایران طی دهه گذشته در آمریکا انباشته شده بود و سایه انداختن روش سازمان مللی (سخنرانی و تنظیم قطعنامه) بر فرآیند برجام، باعث شد تا انتظارات غیرواقعی و تحلیل‌های احساس محور در ذهن بسیاری شکل گیرد و نمایش برجام مهم‌تر از محتوای آن شود.»

سریع‌القلم در یادداشت خود سهم موضوع هسته‌ای را در اختلاف‌های میان ایران آمریکا یک نهم عنوان کرده و بر این باور است که «وقتی موضوع هسته‌ای یک نهم است، قاعدتاً نباید آن را هشت نهم جلوه داد. تقابل موجود، گسترده و دامنه‌دار است. این یک غفلت تبلیغاتی دستگاه دیپلماسی بود که مسایل سیاست خارجی با غرب را، به موضوع هسته‌ای تقلیل داد. شاقول انتظارات اشتباه تنظیم شد و انتظارات غیرواقعی در ذهن خاص و عام جا افتاد. در سیاست بین‌الملل، کشورها عموماً و دائماً اهرم می‌سازند تا امتیاز بگیرند.»

اما پیرامون این بخش از نوشته سریع‌القلم دو نکته اصلی به ذهن متبادر می‌شود: نخست اینکه انتظارات اشتباه و غیرواقعی را چه کسی در ذهن خاص و عام جا داد و با چه هدفی؟

دیگر آنکه اگر توقع رفع مشکلات اقتصادی مملکت از قبیل سوئیفت یا موانع ایجاد شده در صادرات یا واردات کالا مانند محدودیت‌های بیمه و یا بازگشت پول حاصل از فروش نفت و... انتظار بی‌جا از برجام است پس این توافق برای چه انجام شد تا به صورت یک طرفه صنعت صلح آمیز هسته‌ای کشور را به این حال و روز درآوریم؟! برجام و دستاورد اقتصادی!

در ایام سالگرد اعلام توافق برجام در وین، (تیر 1395) تحرکات برخی مدیران ارشد دولتی و رسانه‌های حامی آنها برای توقع‌زدایی از برجام شدت گرفت. آنها با ادبیات مشابه تلاش کردند از برجام توقع‌زدایی اقتصادی کنند؛ چنان‌که بعیدی‌نژاد با صراحت گفت «به برجام نگاه اقتصادی نداشته باشید چرا که تفاهم اقتصادی نیست.»

این رویکرد تقلیل‌گرایانه در حالی است که طیف یاد شده طی چند سال گذشته برعکس حالا، به انتظارات موهوم درباره مذاکره و توافق با آمریکا در حد معجزه اقتصادی و رونق اشتغال و تولید و حتی بهبود وضعیت آب خوردن و هوا و ریزگردها و... دامن می‌زدند و نظام را به لحاظ روانی برای توافق و اجرای آن به هر قیمت که شده- ولو نامتوازن و ناهمزمان- تحت فشار قرار داده بودند.

جریان نفوذ کارش این است که با داده‌های غلط دولتمردان را به تصمیم‌های نادرست رهنمون سازد. حتی اگر این تصمیم‌ها توسط اشخاص دلسوز کشور و نظام اتخاذ شده باشند از آنجا که داده‌های غلط و نادرست از امری وانموده به آنها منتقل شده نتیجه آن چیزی می‌شود که جریان نفوذ می‌خواهد. در واقع می‌توان گفت در چنین حالتی این نفوذی‌ها هستند که غالباً به

صورت غیرمستقیم تصمیم‌سازی می‌کنند.

مجموع نکاتی که گفته شد زمینه ساز ایجاد توقع در میان مردم براساس اظهارات دولتمردان و برخی رسانه‌ها می‌شود. البته به این نکات باید عدم توجه به تجربیات گذشته و نادیده انگاشتن حافظه تاریخی از موارد مشابه را نیز بیفزاییم. اینکه غرب و خاصه آمریکا قابل اعتماد نیستند و بارها این مرز و بوم عهدشکنی آنها را دیده است. سریع القلم نیز در یادداشت مذکور می‌نویسد: «اصولا در سیاست بین‌الملل، عنصری به نام «اعتماد» وجود ندارد که ما بتوانیم آن را با عقد قرارداد به دست آوریم.

سیاست منافع است و بس، حتی میان انگلستان و آمریکا که شبیه‌ترین دو کشور در نظام بین‌الملل هستند.» همین داده‌ها و اطلاعات غلط به برآورد نادرست از راهکار برون رفت از مشکلات می‌انجامد. برآورد نادرستی که از تصویری غیرواقعی از شرایط وجود و علل آن برخاسته ناگزیر نسخه‌ای را می‌پیچد که اگرچه وعده درمان با خود دارد اما نه درد را آنچنان که باید شناخته است و نه درمان را.

برجام حلال تمام مشکلات!

رئیس‌جمهور در 17 خرداد 1394 یعنی در زمانی که مذاکرات هسته‌ای تا نهایه شدن توافق برجام چند ماه بیشتر فاصله نداشت در مراسم گرامیداشت هفته محیط زیست گفت: «ما وقتی می‌گوییم باید تحریم‌های ظالمانه رفع شود بعضی‌ها چشمان‌شان زیاد نچرخد. تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود.»

حمید بعیدی نژاد، مدیرکل سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، 24 فروردین 1394 که در جمع دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد، درباره توافق ژنو که قبل از برجام انجام شد سخن می‌گفت، لغو تحریم‌های اروپا و توقف اجرای تحریم‌های آمریکا را وعده داد و افزود: «در هر صورت حتی با برداشته شدن ممنوعیت‌ها در زمینه طلا و فلزات گران‌بها براساس اطلاعاتی که به دست ما رسیده است، عواید قابل‌توجهی از تعلیق تحریم‌ها در این بخش نصیب کشور می‌شود. چرا که با اعمال تحریم علیه این بخش، در لحظات پایانی برخی از محموله‌های طلا که قرار بود به کشور وارد شود، ارسال نشدند. با اجرای توافق ژنو این محموله‌ها و یا عواید آنها می‌تواند به کشور برگردند.»

مقدمه‌ای بر حل

مشکلات هم نیست

سریع‌القلم در بخشی از نوشته خود آورده است: «برای مخاطبان و جامعه مدنی ایرانی توجیه نشد که برجام، حل و فصل مسایل ایران و آمریکا نیست. و حتی مقدمه‌ای بر گشایش مشکلات ایران و غرب و ایران و منطقه نیز نیست. نظام تحریم علیه ایران بسیار وسیع‌تر از نظام تحریم هسته‌ای است.» به عبارتی او نه تنها برجام را حلال مشکلات ایران نمی‌داند بلکه نگاه حدقلی به آن را نیز به عنوان «مقدمه‌ای بر گشایش مشکلات» قبول ندارد.

اما اظهارات دولتمردان و برخی رسانه‌ها غیر از این بود. چنانکه محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت در نشست تبیین سیاست‌های تسریع رونق اقتصادی گفت: «فاصله بین برجام و رفع تحریم‌ها زمان ویژه‌ای است که در آن سیاست‌های تسریع رونق اقتصادی را اجرا می‌کنیم و علاوه بر رشد اقتصادی دولت مهار تورم را محقق می‌کنیم.»

سریع‌القلم در یادداشتش بر این نکته تاکید می‌کند که «چون آمریکا نمی‌تواند اهداف و افکار ایران را تغییر دهد (اختلافات ۸ گانه)، پس باید علی‌الحساب در فکر از میان برداشتن توان هسته‌ای ایران باشد. چون اختلافات متعدد دیگری وجود دارد، آمریکا فشار خود را بر ایران ادامه می‌دهد تا ایران به تدریج از مدار حساسیت‌های آمریکا بیرون برود. عجله‌ای هم نیست. این ذهن طرف مقابل است.»

چگونه می‌شود این خوانش از برجام را در کنار سخنان سید عباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای قرارداد وقتی مردادماه 1394 در نشست ویژه بررسی توافق هسته‌ای گفت: «می‌خواهم به خودمان این توافق را تبریک بگوییم! و آن را باید جشن گرفت و تمام قد از این توافق دفاع می‌کنم. یک دستاورد دیگر فرو ریختن مبنای روانی تحریم‌هاست و هر کس که از لیست تحریم‌ها خارج شود، سوئیفت هم علیه آن اجرا نخواهد شد و ۸۰۰ نهاد و فرد در ایران از تحریم‌های سوئیفت خلاص خواهند شد.»

باید برجام را

بزرگ می‌کردیم!

پس از روی کار آمدن دولت یازدهم زمزمه‌های مذاکرات هسته‌ای با غرب برای رسیدن به توافقی که برای هر دو سمت مذاکره نتیجه مثبت داشته باشد آغاز شد و در این میان روزنامه‌های زنجیره‌ای که از جمله مدافعان سرسخت مذاکرات هسته‌ای بودند در آن روزها همه معضلات و مشکلات را به تحریم‌ها پیوند می‌زدند. این روزنامه‌ها در دوره مذاکرات و در ایام نهایه شدن توافق برجام با تیترهای درشت در صفحه نخست روزنامه‌های خود به آنچه امروز «توقع بی‌جا از برجام» خوانده می‌شود دامن زدند.

اما مخاطب این‌گونه اظهارات ملت ایران بودند که سابقه‌ای سیاه از آمریکا در ذهن‌شان نقش بسته بود؛ سابقه‌ای که به واسطه اقدامات آمریکا علیه مردم ایران به وجود آمده بود. از طرف دیگر آمریکا برای ملت ایران نماد تمام عیار بدعهدی و کارشکنی و دخالت و دشمنی بود و ایرانیان نمونه‌ای از این عهدشکنی را در توافق‌نامه الجزایر که میان ایران و آمریکا بسته شده بود به خاطر داشتند و در خاطرشان مانده بود که چگونه این دولت مستکبر به هیچ کدام از تعهداتش در توافق‌نامه الجزایر عمل نکرد. نه تنها پایبند به تعهداتش نبود بلکه با بهانه‌های واهی در سال‌های بعد شرایط را برای ملت ایران سخت‌تر کرد.

در زمانی که بحث‌های پیرامون مذاکرات هسته‌ای مطرح شد روزنامه‌های زنجیره‌ای و مدعی اصلاح‌طلبی و وظیفه‌ای را برعهده

داشتند که همانا بزرگ کردن این مذاکرات بود. آنها از اغراق به بهترین شکل استفاده کردند؛ هم در سیاه‌نمایی گذشته و عاقبت نرفتن به پای میز مذاکره و نتایج تحریم و هم در آرایش مذاکرات با غرب و دنیای پس از توافق.

برخی از محافل رسانه‌ای و سیاسی بی‌انصاف و بی‌صداقت چند سال پیش چنین القاء می‌کردند که گره‌های اقتصادی به خاطر درگیری با آمریکا است و توافق با شیطان بزرگ هم امکان‌پذیر و هم معجزه‌آسا است اما نظام به خاطر ماجراجویی نمی‌خواهد اختلاف را برطرف کند. این در حالی است که پس از برجام معلوم شد آمریکا در نهایت خبثت و بدعهدی است و تحریم‌ها را یا اصلاً لغو نمی‌کند و یا در صورت تظاهر به لغو، برجام را دور زده و مجدداً آنها را تجدید می‌کند و حتی طرف‌های همکاری با ایران را تهدید به مجازات می‌نماید.

در همین باب «مهدی رحمانیان» در گفتگو با «حسین دهباشی» به صراحت به این وظیفه روزنامه‌های زنجیره‌ای اشاره کرده و می‌گوید: «من مبالغه را قبول دارم. این مبالغه‌ها باید می‌شد به این خاطر که فضا خیلی تنگ و ترشی بود، دولت باید در حقیقت این موضوع را قدری بزرگ می‌کرد که بتواند حرفش را به کرسی بنشانند.»

با این اوصاف اگر مشاهده کردید که روزنامه‌ها یا اشخاصی که تا پیش از این هر روز به شکلی و هر بار از دریچه‌ای به آرایش کردن برجام و دستاوردسازی برای آن می‌پرداختند اکنون یا پس از این در مسیر تقلیل و فراموش کردن آنها هستند، خیلی تعجب نکنید!